

متن پرسش

سلام و رحمة الله استاد عزیز: خدا شما را حفظ کند. بنده یکی دو سالی هست که کانال های شما را در ایستا دنبال می‌کنم و پیگیر مطالبی که در آن قرار می‌دهید هستم. بحمدالله مطالب شما ما را در زمینه تبیین و درک و معنا و موارد دیگر در جای بسیار خوبی حاضر کرده است و به این خاطر خدا را شاکر هستیم که ما را به لطف خودش با چنین اساتیدی آشنا کرده است. اما مطلبی که خدمت شما می‌خواهم عرض کنم با دیدگاه انتقادی و دلسوزانه نسبت به خودم و دیگر اعضا هست که اگر اشکال از ما هست از آن مطلع شویم و به مسیر درست آن نظر کنیم و بنده آن را در مثالی خدمت شما عرض می‌کنم. در سطح جامعه ای که هستیم همانطور که عرض شد در حد زیادی مطالب شما راهگشا بوده است اما در یک مسیر بنده احساس ضعف می‌کنم که هنگامی که ما در خصوص مطالب شما با دیگران صحبت می‌کنیم دست مان پر است ولی تا به بحث تحلیل شرایط میشه ما اینجا حرف زیادی برای گفتن نداریم. برای مثال در شرایط قبل از جنگ شما صوت آقای خوش چشم را در گروه قرار داده بودید و ما آن را که گوش کردیم و در بحث های خودمان با نظر به خوش چشم می‌گفتیم که جنگ نمی‌شود اگر هم بشود رهبر را نمی‌زنند و کسانی که با نظر به رسانه های خارجی با ما گفت و گو می‌کردند گفتند که جنگ می‌شود و شد و در ابتدای جنگ رهبر ترور شد. در ابتدای جنگ ما با توجه به رسانه های داخلی گفتیم که رهبر ما شهید نشده و آنها بالعکس گفتند شده و شد. در ادامه در اوج جنگ آنها به ما گفتند که دارد توافق می‌شود و ما با نظر به حرف آقای مهدی محمدی که اصرار داشت توافق نمی‌شود گفتیم که نمی‌شود ولی شد. در ادامه در جایی که آقای طائب فرمودند در سخنرانی شان ترامپ در کنگره این بار برای ادامه جنگ دستش را خواهند بست و پایان او خواهد بود ولی دیدیم که اتفاقا رای کافی را به پایان جنگ ندادند و دستش همچنان باز ماند هر چند که بنده از مسائلی که مطرح فرمودند در خصوص آیات قرآن و محکمت خلی مفید و عالی دونستم برای خودم مطلب ایشان را ولی بعضی از نظرات ایشان در خصوص بحث نظامی گری با واقعیت میدانی ما حداقل ۳۰ سال فاصله داشت و به صورت تخصصی حرف ایشان در مسائل نظامی که مطرح فرمودند جای بحث داشت و در ادامه هم که آقای مهدی محمدی وضعیت را در آستانه جنگ خواند یا آقای خوش چشم که گفت تا یه هفته دیگه جنگ میشه ولی مجددا حرف کسانی که با نظر به رسانه های خارجی با ما سخن می‌گفتند شد که جنگ نزدیک نیست و به سمت توافق دارند پیش می‌روند. چرا اینگونه دارد می‌شود؟ بنده هر چند که اصلا دوست ندارم خودم را متوقف و درگیر این مسائل کنم و نظر اساتید مثل مهدی محمدی و طائب و.... را بر نظر خود ترجیح می‌دهم اما این موارد جزئی آیا خبر

از این نمی دهد که ما هر چند در شناخت حقیقت دشمن بهتر از او خودش را می شناسیم ولی در روند بازی های آن و سبک کار آنها هنوز به شناخت نسبی و متعادل نرسیدیم؟ استاد آیا اینها خبر از این نمی دهد که ما در روند معادلات ضعف داریم و این ضعف ها در مواردی در بحث فریب عوام و جهانیان بعضا از همه جا بی خبر موجب گمراهی می شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته که ضعف داریم ولی به نظر می آید همان عزیزی را که نام بردید جوانب مختلف را با نظر به آنچه از میدان می دانند، با ما در میان می گذارند و خودشان هم جوانب دیگر را نفی نمی کنند. ولی بعضی ها خیلی راحت حدس می زنند و اگر حدس شان محقق شد، می گویند ما که گفتیم. و اگر محقق نشد، خیلی راحت از آن ردّ می شوند. و البته همین امور را نیز طبیعی بدانید. مهم توجه به افق های بلندی می باشد که در این جنگ، مقابل ما گشوده شده است و روایت هایی که باید از جایگاه تاریخی این رخداد داشته باشیم که در این مورد سعی شده است در مباحث «ما و جنگ رمضان و نظر به حضور تاریخی که در پیش است» https://eitaa.com/bartarin_hozoor تذکراتی داده شود و از آن مهم تر، تذکراتی است که رهبر معظم انقلاب در پیام های خود متذکر می شوند. موفق باشید